

جاده قدیم و ترومای تجاوز جنسی

تجاوز جنسی به زنان موضوع فیلم‌های بسیاری در تاریخ سینما بوده، در سینمای امریکا تجاوز به زنان عموماً در سطح یک برهکاری اجتماعی و انگیزه‌ای برای انتقام‌جویی فردی مطرح شده و دستمایه‌ای برای بسیاری از فیلم‌ها ژانر تریلر جنایی، وسترن و ترسناک بوده است. در این نوع سینما، اغلب زنان قربانی تجاوز در حاشیه بوده و این قهرمانان مرد(بردار یا شوهر زن)اند که درصدد انتقام از متجاوز برمی آیند. یکی از مشهورترین فیلم‌ها در این زمینه، فیلم سگ‌های پوشالی جان شلزینگر است که در آن داستان هافمن که نویسنده‌ای دست و پاچلفتی است، تصمیم می‌گیرد تنگ به دست گرفته و از مردانی که به طرز وحشیانه‌ای به همسراو تجاوز کرده‌اند انتقام بگیرد. در سال‌های اخیر، به‌دنبال رشد گرایش‌های فمینیستی در سینما، این زنان قربانی تجاوزاند که به جای مردان، خود وارد عمل شده و انتقامشان را از متجاوزان می‌گیرند. درواقع در فیلم‌های فمینیستی امریکایی، قهرمان که معمولاً زن است از جایگاه یک سوزه متغعل به جایگاه یک کنشگر ارتقا یافته و موفق می‌شود با کشتن متجاوزان، بر ترومای تجاوز جنسی خود فائق آمده و به آرامشی نسبی برسد. به‌عنوان مثال در فیلم «امیس ۴۵» ساختن ایل فررا، دختر کرو لالی در راه بازگشت به خانه از محل کار، مورد تجاوز قرار می‌گیرد و بعد سعی می‌کند از تجاوزگران انتقام بگیرد. اما برخلاف سینمای آمریکا، سینمای اروپا رویکردی متفاوت و روانکاوانه نسبت به مسأله تجاوز جنسی به زنان داشته است. در سینمای هنری اروپا، تجاوز به زنان، بهانه‌ای برای انتقام‌جویی فردی نیست بلکه بیشتر پیامدهای روحی و روانی تجاوز و خاطره دردناک و تروماتیک آن بر زنان قربانی مورد بررسی قرار گرفته است. در برخی از فیلم‌های جنگی اروپایی، زنانی را می‌بینیم که با ترومای تجاوز جنسی در دوران جنگ زندگی می‌کنند و با یادآوری خاطرات و کابوس‌ها و ترس‌های ناشی از آن عذاب می‌کشند. در فیلم «کاتوس» برادران تاپوینی که بر مبنای داستان‌هایی از لوئیجی پیراندللو ساخته شده، با زنی مواجهیم که با خاطره تروماتیک یک تجاوز در زمان جنگ زندگی می‌کند. این زن که داستان زندگی‌اش را روایت می‌کند، می‌گوید که چگونه شوهرش که هوادار گاریبالدی بود در جنگ کشته شد و او مورد تجاوز فرمانده دشمن قرار گرفت، او پسری به‌نام روکو دارد که چوپان مهربانی است و به او محبت بسیار می‌کند اما مادر چشم دیدن او را ندارد چرا که او ثمره تلخ یک تجاوز و رویدادی تروماتیک است.

در سینمای قبل از انقلاب ایران نیز تجاوز به زنان و انتقام‌جویی مردان، یکی از عناصر تماتیک اصلی فیلم‌های فارسی بوده. زنان فیلمفارسی، غالباً دختران جوان شوریخت و تیره‌روزی بودند که توانایی حفظ ناموس خود و شرف خانوادگی را نداشته و به‌راحتی قربانی تجاوز مردان هوسباز می‌شدند و بعد این جاهل و لمپن قهرمان فیلمفارسی بود که باید با چاقوی ضامن‌دار خود، انتقام او را از متجاوزان می‌گرفت و از حیثیت بر باد رفته او دفاع می‌کرد. تجاوز به زنان و انتقام‌جویی پس از آن حتی در برخی از فیلم‌های موج نویی مثل قیصر و بلوچ مسعود کیمیایی و صادق کرده ناصر تقوایی نیز دیده می‌شود با اینکه رویکرد این فیلمسازان به موضوع تجاوز متفاوت با رویکرد کارگردان‌های فیلمفارسی بوده اما در هیچ کدام از این فیلم‌ها، مسأله تجاوز به‌عنوان امری تروماتیک برای زنان مطرح نبوده است. در سینمای بعد از انقلاب، طرح موضوع خشونت جنسی و تجاوز به زنان تا سال‌ها تابو شمرده شده و هیچ فیلمساز جرات نمی‌کرد که به سراغ این موضوع حساسیت برانگیز برود. فیلم فروشنده اصغر فرهادی، نخستین فیلمی است که در آن موضوع تجاوز جنسی به زنان به‌عنوان امری تروماتیک مطرح شده است هرچند رویکرد فرهادی در این فیلم بیشتر رویکردی هالیوودی است و او به جای بررسی ترومای تجاوز جنسی و تأثیر آن روی زن قربانی فیلم، به ماجرای جست‌وجوی همسر زن برای یافتن متجاوز و انتقام‌گیری از او پرداخته است.

اما جاده قدیم ساخته منیره حکمت درواقع نخستین فیلم ایرانی است که با رویکردی روانکاوانه، مشخصاً به ترومای تجاوز جنسی یک زن می‌پردازد و از این نظر فیلم جسورانه‌ای است. در این فیلم، زنی مستقل و مقتدر به‌نام مینو مورد تجاوز جنسی یک راننده ناشناس قرار می‌گیرد اما بعد از این حادثه نمی‌خواهد قبول کند که به او تجاوز شده و حاضر نمی‌شود علیه راننده متجاوز شهادت داده و با پلیس و شوهرش همکاری کند. اما مشکل جاده قدیم این است که زمان زیادی را تلف می‌کند تا وارد موضوع اصلی فیلم شود. فیلم بر از شخصیت‌ها و موضوع‌های فرعی و اضافی است که اگر حذف می‌شدند، حذف آنها هیچ لطمه‌ای به فیلم نمی‌زد. به علاوه فیلم موفق نمی‌شود تا همدردی تماشاگر با زن قربانی را برانگیزد چرا که بعد از روشن مسأله تجاوز و دستگیر شدن متجاوز و به‌وسیله پلیس، عملاً دیگر هیچ رمز و رازی در فیلم وجود ندارد و کابوس‌های تروماتیک زن و مقاومت او در برابر درخواست همسر و اطرافیانش برای پذیرفتن تجاوز و شهادت دادن علیه متجاوز، فاقد کشش لازم برای دنبال کردن داستان از سوی بیننده است. با اینکه شوهر زن قربانی، مرد مدرتی است که برخلاف مردان متعصب و غیربومی فیلم‌های دیگر ایرانی به دنبال انتقام از متجاوز نیست و همه تلاش او در آرام کردن همسر زخمی و آسیب دیده‌اش و قبولاندن واقعیت به اوست اما در این راه آنقدر افراط کرده و منفعلانه برخورد می‌کند که قابل باور نیست. با این حال تلاش خانم حکمت در جاده قدیم برای دراماتیزه کردن موضوع حساسیت برانگیزی مثل تجاوز جنسی به زنان و ترومای ناشی از آن تحسین برانگیز است.

اعزازز: یکی از پژوهش‌هایی که انجام دادم در مورد خشونت خانگی و کنک خوردن زنان بود که در سال ۷۶ به صورت کتاب به چاپ رسید. فیلم «دوزن» نیز در مورد خشونت همسر نسبت به زن بود و البته دیگران نیز در این زمینه فعالیت کرده بودند و نتیجه فعالیت‌های افراد مختلف، به تحقیقات متعدد در مورد خشونت خانوادگی در دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات پژوهشی انجامید. هر چند که نتیجه پژوهش‌های متعدد نتوانستند تغییری در قوانین بوجود آورند اما می‌توان گفت که اگر زنان در دو دهه قبل خشونت خانگی را به عنوان جزئی از رفتار خانوادگی در نظر می‌گرفتند امروزه تغییر زیادی مشاهده می‌شود و دیگر کنک خوردن مورد قبول بسیاری از زنان قرار نمی‌گیرد. ایجاد چنین آگاهی نتیجه سال‌ها فعالیت دانشگاه‌ها، فعالان اجتماعی و زنان، رسانه‌ها بخصوص خبرنگاران و بهترین رسانه یعنی فیلم بود. بنابراین نباید تأثیر فیلم در دادن آگاهی را دست کم بگیریم.

ارشده: به اعتقاد من هم سینما بیشترین برد و تأثیرگذاری را برای طرح این گونه آسیب‌ها دارد و این خیلی ارزشمند است. این نه‌ایت ناآگاهی و بی‌سلیقگی و عناد است که چنین فیلمی در مناسبات اکران با بی‌مهری مواجه شود.

حکمت: فساد سیستماتیک وارد سینما شده است. پول‌های عجیب و غریبی وارد سینما شده و این صاحبان آن هستند که برای ما تصمیم می‌گیرند. سانس‌ها را کسانی تعیین می‌کنند که با پولشویی وارد سینما شده‌اند، پول دارند و همه را با خود همراه می‌کنند از صاحب سینما و مدیر سینما گرفته تا مطبوعات، قدرانه هم می‌گویند که پول داریم و همه را می‌خریم، این را با گوش خودم شنیده‌ام.

■ **خشونت تنها معطوف به آزار جنسی نمی‌شود و آثار سینمایی زیادی داریم که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به خشونت علیه زنان پرداخته‌اند. آنچه در این آثار می‌بینیم فراوانی این اتفاق در طبقه متوسط جامعه است.**

ارشده: شاید یکی از دلایلش جذابیت‌های درام باشد و این که چنین اتفاقی در طبقه متوسط جامعه هم می‌افتد در حالی که به نظر می‌رسد این رفتارها در خانواده‌هایی با آگاهی کمتر بیشتر بروز دارد.

اعزازز: معمولاً جرایم را با طبقه پایین تداعی می‌کنند و فراموش می‌شود که در اتفاقاتی دیگر نیز جرایم وجود دارد ولی احتمالاً پوشیده نگاه داشته می‌شود. در مورد خشونت خانگی هم باید گفت که در میان تمام طبقات اجتماعی وجود دارد، هر چند که تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود. در بروز خشونت خانگی کمتر می‌توان به عوامل مختلف اجتماعی مانند فرضاً اعتیاد یا فقر تأکید کرد بلکه بیشتر باید بر روی ساختار اجتماعی و نگرش منفی که نسبت به زنان وجود دارد تأکید کرد.

ارشده: شما نقش اخلاق و آگاهی را نادیده می‌گیرید؟ مقصود من اخلاق مبتنی بر نگاه انسان‌گرایانه یعنی همان اتفاقی است که در خانواده‌های امثال ما

وجود داشت. این نگاه اخلاقی می‌تواند برخی آسیب‌ها را کاهش بدهد. در نهایت از هر کدام که علت سکوت را جویا می‌شویم به یک استیصال و درماندگی می‌رسیم. به همین خاطر می‌گویم انتخاب یک زن قدرتمند برای پرداختن به موضوع تجاوز در «جاده قدیم» انتخاب هوشمندانه‌ای است.

حکمت: در تحقیقاتی که از شهرستان‌ها داشتیم شاهد مواردی بودم که روان‌ام را به هم می‌ریخت، من که کلی ادعا دارم

مواردی دچار استیصال می‌شوید پس برای اصلاح این فرهنگ چطور می‌توان به این مسائل در قالب‌های مختلف رسانه‌ای اعم از سینما تا مطبوعات پرداخت که این استیصال و ناامیدی به جامعه منتقل نشود. **ارشده:** نقش شما رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی خیلی مهم است. تلویزیون در این موارد به وظایف خطیر خود عمل نمی‌کند، در حالی که نقش مهمی دارد. این مسائل در آموزش و پرورش باید آموزش داده شود اما به محض این که

همه چیز را می‌داند چرا که خیلی چیزها را دیده و شنیده است. **حکمت:** در برخی شهرستان‌ها به دختران‌شان آموزش می‌دهند که به عنوان یک کالای جنسی چگونه برخورد کند. در برخی خانواده‌ها قبول کرده‌اند که این کالای جنسی که می‌خواهند تقدیم کنند باید تربیت شده تقدیم کنند. هر منطقه و هر طبقه نوع برخوردش متفاوت است. با وجود احترامی که برای آقای فرهادی قائلیم، «جاده قدیم» را که ساختم به

بحث را باز می‌کنم. اگرچه به شکل کاملاً سیستماتیک تلاش می‌کنند که از پا درت بیاورند و پشیمانت کنند. نقش شما اهالی رسانه مهم است و من فیلمساز از برگزاری چنین نشستنی دلگرم می‌شوم. طوری با فیلم من برخورد شد که اعتماد به نفسم را بگیرد و این تصور برابم ایجاد شود که شاید اشتباه کرده‌ام که وارد این مسیر شده‌ام. وقتی آدم قوی مثل من به این تفکر برسد بقی

منیره حکمت، لیلا ارشد و شهلا اعزازز در میزگرد «ایران» به بهانه اکران «جاده قدیم» از پدیده تجاوز و تعدی

مسافران تنها در جاده مسدود خشونت



ه چطور می‌توانند در این مسیر بمانند. دردناک است وقتی می‌بینم هیچ‌کس همراه نیست. **ارشده:** البته این دردی است که امروز تقریباً فراگیر شده است، وضعیت امروز را که با دهه ۵۰ مقایسه می‌کنم می‌بینم آن زمان هم اینقدر بی‌تفاوتی نبود. **حکمت:** دهه ۶۰ و ۷۰ همه ما دور شماها بودیم. اما امروز تبدیل به جزایر پراکنده‌ای شده‌ایم که آب اطراف آن را

من می‌گفتند که از «فروشنده» کپی برداشته‌ام در حالی که من از حدود ۱۰سال پیش تحقیق در این باره را شروع کردم و همه چیز هم ثبت شده است. ضمن این که راجع به این اتفاق باید صداها فیلم ساخته شود. چرا که خشونت مدام بازتولید می‌شود و به شکل‌های مختلف و عریان‌تر در جامعه ظهور می‌کند. اگر چه در مناسبات اکران و گیشه به این فیلم بی‌مهری شد اما من خوشحالم که این

راجع به تربیت جنسی صحبت می‌کنیم گارد می‌گیرند که می‌خواهید مسائل جنسی را به کودکان آموزش دهید! در حالی که اصلاً داستان آموزش مسائل جنسی نیست بلکه مراقبت از خود است. دخترپچه‌ها و پسرپچه‌ها باید یاد بگیرند که از خود مراقبت کنند. خانواده‌ها در مناطق پایین شهر و شهرستان‌ها در یک اتاق می‌خوابند و هوشیاری جنسی بچه‌ها خیلی سریع است و پسر یا دختر بچه ۸ یا ۹ ساله

که وسط جامعه هستم و آدم کافه‌نشین و دفترنشینی نیستم باورم نمی‌شد چه اتفاقاتی دارد در جامعه می‌افتد. شب‌های عید سری به بیمارستان لقمان بزنید و ببینید چند زن برای خودکشی به خاطر تجاوز به آنجا مراجعه می‌کنند. این لایه‌های پنهان خیلی وحشتناک است.

■ **خانم حکمت شما به عنوان فیلمسازی که به قول خودتان در دل جامعه حضور دارد اعلام می‌کنید که در مواجهه با چنین**



«مغزهای کوچک زنگ زده»

ناچی، پارسا شکوری، یوسف صیادی، اصغر سمسارزاده، ساعد هدایتی، رضا رویگری، عباس محبوب، محمد شبیری، علی کاظمی و یوسف تیموری بازیگران سینما یک میلیارد و ۷۲۲ میلیون تومان فروخته است.

حسین قناعت نیز در سومین هفته نمایش خود ۶۲۵ میلیون تومان فروخت تا در رده سوم پرفروش‌ها قرار گیرد. این فیلم در مجموع با اکران در ۱۰۶ سالن پدر گوسفندها دو راره، آدم بدون پدر هیچی نیست. اون به ما میگه کی بریم، کجا بریم، چی کار کنیم، کی بشینیم، کی باشیم، کی بمیریم.»

■ **«هشتگ»** «هشتگ» دیگر فیلم کم‌دی اکران شده این روزهای سینما نیز در چهارمین هفته فروش، ۵۱۱ میلیون تومان فروخته تا با یک پله سقوط در جایگاه چهارم



«لس آنجلس تهران»

با گم میشن یا گرگ بهشون میزنه یا از گرسنگی می‌میرن، چون مغز ندارن. هرکی که مغز نداره به چوپان احتیاج داره، به چوپان دلسوز... چوپان حکم سینمای ایران است که در آن هنرمندانی چون نوید محمدزاده، فرید سجادی حسینی، فرهاد اصلانی، نازنین بیاتی، نوید پورفرخ، مرجان اتفاقیان و هامون سیدی ایفای نقش می‌کنند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «میگن اگه چوپان نباشه گوسفندها تلف میشن،

■ «لس آنجلس تهران»

فیلم سینمایی «لس آنجلس تهران» در دومین هفته نمایش خود در ۹۵ سالن سینما، یک میلیارد و ۱۵۴ میلیون تومان فروخته است. در خلاصه داستان این فیلم آمده: با کلمات زیر جمله بسازید: (دو‌نمره) موسیقی فرانسوی، تابلوی نقاشی، استندآپ کمدی، اینستاگرام، فحش رکیک، هاه‌ها، پیرزن موتورسوار، تک‌چرخ‌زن، داف وطنی، عشق خارجی، خونه مادربرزگره، درود بر شرف آریاییبت. تیم بازیگران «لس آنجلس تهران» از پرویز پرستویی، مهناز افشار، گوهر خیراندیش، شیرین یزدانبخش، زهیر بایز، بانپال شومون، برابان للی، امی گواورا، جسی ننسی؛ با معرفی ژوئین رهبر و هنرمندی ماهایا پطروسسیان تشکیل شده است.

■ «مغزهای کوچک زنگ زده»

فیلم سینمایی «مغزهای کوچک زنگ زده» نیز این هفته یک میلیارد و ۵۶۲ میلیون تومان فروش داشته تا مانند هفته گذشته و با اختلاف اندک در مکان دوم پرفروش‌ها قرار گیرد. این فیلم پس از ۴ هفته اکران در ۱۳۱

در گیشه فیلم‌های سینمایی در حال اکران چه می‌گذرد

رقابت نزدیک فیلم‌های کم‌دی و اجتماعی

ایرنا: تازه‌ترین آمار فروش هفتگی از رقابت نزدیک دو فیلم کم‌دی و اجتماعی «لس آنجلس تهران» و «مغزهای کوچک زنگ زده» در آخرین هفته مهرماه حکایت دارد. بعد از صدرنشینی سه هفته‌ای «مغزهای کوچک زنگ زده» از هفته گذشته فیلم کم‌دی «لس آنجلس تهران» صدر گیشه را از این فیلم گرفت. حالا در هفته اکران «لس آنجلس تهران» هر چند این بار هم این فیلم، بالای تازه‌ترین ساخته هومن سیدی قرار گرفت اما رقابت نزدیک آمار فروش هفتگی دو فیلم نشان از احتمال تغییر در صدر گیشه دارد. به گزارش ایرنا فیلم سینمایی «لازانی» ساخته حسین قناعت نیز این هفته با فروش بهتری نسبت به «هشتگ» رده سومی را از این فیلم گرفت تا هشتگ که حالا فروش دومینابرداری را تجربه کرده است در مکان چهارم پرفروش‌ها قرار گیرد. در این بین «عرق سرد» به کارگردانی سهیل بیرقی که همچنان در سینمای‌های حوزه هنری اکران نمی‌شود مکان پنجم خود را در فروش هفتگی حفظ کرده است. «پیشونی سفید ۲» ساخته سیدجواد هاشمی هم بعد از یک هفته نه چندان پرفروغ این هفته آمار فروش بهتری را تجربه کرده اما همچنان در مکان ششم پرفروش‌ها قرار گرفته است.